

مجلات چاپ شده یافت، متوجه شد که در این مورد صاحب استعداد می باشد. به ویژه در ورزش های آبی که متخصص اینگونه ورزش ها در رسانه ها به ندرت پیدا می شد. دایانا در این مسیر به پیشرفت خود ادامه داد تا اینکه شبکه تلویزیونی N.B.C که از بزرگترین شبکه های دنیا می باشد از او دعوت به عمل آورد تا به عنوان خبره در ورزش های آبی در آن شبکه به گزارش



مسابقات مهم بپردازد و چنین شد که دایانا به عنوان یکی از دو مجری اصلی در برنامه هفتگی، جهان ورزش که در آن بی.سی.سی تهیه می شد شرکت کرد. ضمن آنکه در سه دوره بازی های المپیک که شبکه مذکور حق پخش آنها را به دست آورده بود، دایانا میاد به عنوان گزارشگر خبره در پخش ورزش های آبی شرکت کرد. در واقع او مسیر کاری خود را سرانجام پیدا کرده بود و همین امر بار بزرگی را از گرده او برداشته بود.

**اما هنوز هم او به دنبال پر کردن خلاء بزرگ در زندگی بود و آن هم علاقه عجیب و تمام نشدنی او به شنا بود. در خلال این مدت دایانا با یک مربی شنا ازدواج کرده و صاحب فرزند دختری هم شده بود. بنا بر این به غیر از شنا او در بقیه زندگی خود موفق شده بود و به خوشبختی رسیده بود. اما او هنوز هم احساس می کرد که تنها پدیده ای که می تواند او را از غریت و شیطان دوران کودکی و نوجوانی اش خلاص کند، شنا بود و گر نه آن دوران همچون کابوسی ترسناک او را رهان نمی کرد و بارها در نیمه های شب از خواب می پرید و در حالی که می لرزید به گوشه ای می رفت و اشک می ریخت و تنها عاملی که چنین حالت هایی را در او تسکین می داد شنا بود. دایانا به این نتیجه رسید که هنوز در شنا حرف هایی برای گفتن دارد. اگر چه شنای مسابقه ای و رقابتی به دلیل بیمار آسم برای او به پایان رسیده بود، اما او متوجه شد که هنوز هم در شنای استقامتی می تواند آن نام و شهره ای را که باید برای خود به دست آورد و تنها در آن زمان بود که شیاطین و غریت های گذشته او را به حال خود گذاشته و برای همیشه او را می کردند. با چنین ذهنیت هایی دایانا شروع به انجام یک سری شناهای استقامتی کرد. او ابتدا فاصله ۲۸ کیلومتر از یک سو به سوی دیگر دریاچه نیویورک را با شنا پیمود و سپس به عنوان نخستین زن در تاریخ فاصله ۵۰ کیلومتری به دور جزیره منهتن را هم طی کرد. اما او هنوز هم ارضاء نشده بود. شناهای استقامتی که او تا کنون انجام داده بود، همگی قبلاً انجام شده بود و یا حداکثر اینکه او به عنوان نخستین زن آن مسیر هاراطی کرده بود اما او به دنبال آن بود که برای نخستین بار در جهان مسیری را طی کند تا برای همیشه نام خود را جاودان سازد. او این را برای دختر خود می خواست. ضمن آنکه تنها بدین وسیله او آن گذشته شکنجه آور را فراموش می کرد. اما**

در خلال این مدت زمان هم می گذشت و سن او بالاتر و بالاتر می رفت. او سرانجام پس از سی سال خدمت به رسانه ها در ۵۵ سالگی بازنشسته شد. اما مقیم خانه شدن عامل قابل قبولی برایش نبود و چنین شد که از حدود چهار سال پیش شنادر مسیری بس خطرناک که تا کنون انجام نشده بود به ذهن او راه یافت و تدارک برای انجام آن را آغاز کرد. غافل از اینکه این تدارکات از جمله به دست آوردن مجوز و به دست آوردن بقیه تسهیلات برای او چهار سال دیگر به طول می انجامید.

### ورود به ۶۰ سالگی

سرانجام پس از آنکه خانواده و دوستانش در یک مراسم به یادماندنی شصتمین سال تولد دایانا را جشن گرفته بودند، او همانجا از فرصت استفاده کرد و اعلام کرد که بزودی مسیر ۹۰ کیلومتری میان سواحل فلوریدا و کشور کوبارا با شنا طی می کند. برخی متعجب شدند و برخی هم به او خندیدند اما سرانجام همگان متوجه شدند که دایانا درباره سخن خود کاملاً هم جدی می باشد. مشکلات بر سر راه چنین شنایی یکی و دو تا نیست. صرف نظر از مسافت که خود یک مشکل اساسی است، آن منطقه که مرز میان خلیج مکزیک، اقیانوس اطلس و دریای کارائیب می باشد، از نظر جوی یک منطقه آرام نیست و توفان ها، زلزله ها، سونامی ها و گردبادها بارها در آن منطقه شکل گرفته و مشکلاتی را هم به بار آورده اند. به غیر از آن آفتاب سوزان تازه اگر فرض کنیم که آب آرام می باشد، یک مشکل است که حضور سه چهار روزه در آب بسیار مشکل می سازد چرا که سوختگی پوست یک نتیجه همیشگی است و سرانجام به دو عنصر خطر آفرین می رسیم یکی



امواج آن هم به ارتفاع دو تا سه متر که هر شناگری را هر چند خبره به در دسر فراوان می اندازد و آنگاه کوسه های خونخوار که بر خلاف اقیانوس آرام که کوسه ها جثه بزرگتر داشته اما انفرادی حمله می کنند در نزدیک های باهاماس و منطقه بین فلوریدا و کوبا، کوسه ها از نوع یا کارامی باشند که کمی کوچکتر اما به صورت گله ای حمله می کنند و در مدت کوتاهی از قربانی خود هیچ باقی نمی گذارند. در واقع دایانا با چنین در دسر هایی مواجه بود که مسیر را برایش بسیار خطرناک و حتی ناممکن جلوه می داد. اما او عزم خود را جزم کرده بود تا به عنوان آخرین فعالیت جدی در شناگری، آن هم در ۶۰ سالگی، مسیر را طی کرده و سپس بقیه عمر خود را در آرامش سپری کند.

او معاینات لازم را انجام داد و پزشکان با اکراه در آخر مجوز را برای او صادر کردند تا اینکه سرانجام روز موعود سر رسید و دایانا در حالی که عده زیادی او را بدرقه می کردند بایک وسیله نقلیه و یک قایق خود را به آخرین جزیره در فلوریدا که به آن کی وست می گویند رساند و در آنجا هم با گام های استوار ماسه های ساحلی را طی کرد و سپس وارد آب شور اقیانوس اطلس شد در حالی که کمی بیشتر از ۹۰ کیلومتر تا سوی دیگر که کشور کوبا بود را با بدنی طی می کرد. البته از آنجا که روابط با کوبا بهتر شده بود، قبلاً راینی های لازم انجام شده بود و دایانا مجوز ورود به کوبا را هم به دست آورده بود. در واقع وزارت ورزش و فدراسیون شنای کوبا هم اعلام کرده بودند که حاضر به همه گونه همکاری هستند و آنها در سوی دیگر در انتظار دایانا خواهند بود.

### شنای غیر ممکن

البته بر طبق قانون یک قایق که نمی تواند از فاصله سه کیلومتر به شناگر نزدیک تر باشد باید شناگر را تعقیب کند، چرا که در فاصله نزدیکتر امواجی که قایق ایجاد می کند روی شنای او تأثیر می گذارد. در آن قایق از پزشک گرفته تا تیراندازانی که در صورت حمله کوسه باید شلیک می کردند، و همچنین ابزار و کمک های اولیه جای داده شده بودند. نخستین مشکل برای دایانا هفده ساعت پس از آغاز شنا بروز کرد و آن درد شدید در شانه چپ بود. اما دایانا می دانست